



# کودتای دائمی

بدل ست حق که همه روز یک ت که بوی که نند، تا که رفی به بود و نه پناه بنام پناه کمال سما بن خته کار تازه ینج درم ملی ید و سلار بد! خبر علام تند. خبر به هد خند؟ همه زی، هم ها دی چرا آن نید امل ارج رج ود؟ ک، وب ک در غ را به عرا بن مان ملان ارخ ست

هستند. آیا هنوز نیاز به اطلاعات و یافتن انگیزه‌ها را دارید؟

نگر و اگر فکر می‌کنید مردم از یادشان می‌رود و مخالفان رژیم هم پس از مدتی رها می‌کنند و ماجرای قتلها از یادها می‌رود، به یاد شما می‌آورم که مردم فراموش نکرده‌اند. انقلاب یعنی اینکه مردم فراموش نمی‌کنند. بعد از انقلاب به سایه سرنیزه پناه بردید. زیرا مردم حاضر نبودند فراموش کنند. چنانکه مردم آن سه راکه در تلویزیون «سیاس شاه» را سه بار فریاد کردند، یعنی رئیس کنونی هیات مؤتلفه، آقای عسکراولادی مسلمان و آقای کروی، دبیر کنونی روحانیون مبارز و آقای محی الدین انواری مأمور کنونی کنترل مساجد را فراموش نمی‌کنند. مردم کودتای خرداد ۶۰ و عاملان آن را فراموش نمی‌کنند. رفتار با منتظری را فراموش نمی‌کنند. ترورها را فراموش نمی‌کنند. جنگ ۸ ساله در خدمت قدرتها را فراموش نمی‌کنند. نفت ۳۴ دلاری را بشکه‌ای ۵ و ۶ دلار فروختن را فراموش نمی‌کنند. قرارداد نفتی بستن و رشوه گرفتن و نفت را مفت به شرکت توتال تحویل دادن را فراموش نمی‌کنند...

نگر آقای نیازی از فلاحیان پیرسید تا به شما بگویند مردم هیچ چیز را فراموش نمی‌کنند. آن از بانیان تروریسم دولتی بود. زیر دست خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی، اوواک را سازمان ترور کرد. مدعی بود کسی نمی‌تواند به نظام جمهوری اسلامی بگوید بالای چشمت ابرو است. بعد از هر ترور، یک های و هونی می‌شود و آنها از آسیب می‌افتد و همه چیز فراموش می‌شود. ولی دادگاه میکونوس تشکیل شد و پنه خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و ولایتی و فلاحیان و... روی آب افتاد. دادگاه اینها را سران دولت تروریست خواند. این بار، اینها بودند که ناتوانی خود را به نمایش می‌گذاشتند. چند راه پیمانی با شرکت چماقداران ترتیب دادند. اما دیگر مردم دانسته بودند که پشت رژیم خالی است.

نگر ضربه‌های مردم پی در پی شد. قتلها را برای آن مرتکب شدید که جریان استقلال و آزادی را از عمل بیاندازید. همان برنامه بهار ۶۰ را دو باره اجرا کردید: ۱- ترساندن فعالان سیاسی و ۲- ترساندن مردم. اولیها را با قتلها و مردم را با انواع کارها (توقیف و حمله به مطبوعات، حمله به اجتماعات، ربودن و کشتن افراد و در گوشه کنار شهر و حاشیه شهرها انداختن و...) اما می‌بینید که این کارها بی نتیجه شده‌اند. گویا نمی‌دانید زمانه تغییر کرده است.

او، در امان می‌ماند. اما دیگر طشت رسوایی این رژیم از بام دنیا افتاده است.

انقلاب اسلامی: صبح امروز (۲۷ خرداد ۷۸)، به اشاره، سازمان ترور و رهبران آن را معرفی می‌کند. نامه خانواده پیروز دوانی به خاتمی پیرامون قتلها و مصاحبه خسرو سیف کوششهایی هستند با ارزش:

## مخفل سراسر کشوری قتلها - نامه خانواده پیروز دوانی و مصاحبه خسرو سیف:

نگر صبح امروز (۲۷ اردیبهشت) در سرمقاله‌ای، زیر عنوان «دو پرونده ملی، دغدغه‌ها و پرسشها»، پرونده نقدی و هندستان او را که اینک بخاطر شکنجه شهرداران مناطق مختلف تهران و کارمندان شهرداری، محاکمه می‌شوند و پرونده «قتلهای نویسندگان و سیاسیون» را موضوع بحث قرار داده است. موضوع اصلی مقاله، قتلها است و در آن، این دو نکته بسیار گویا هستند:

\* اگر چه این دو پرونده از دو سنخ متفاوت هستند اما یک ویژگی مشترک آنها را بهم پیوند می‌دهد: در هر دو پرونده، عده‌ای برای دستیابی به اهدافی که مقدس و با ارزش می‌شمرده‌اند، روشهای مرسوم و قانونی را غیر کارآمد یافته و کوشیده‌اند تا از روشهای غیر قانونی، به اهداف خود دست یابند. در هر دو پرونده نیز به گونه محفلی عمل شده است. ظاهراً، در هیچیک از پرونده‌ها دستور مکتوبی از مسئولان مافوق برای اقدام وجود ندارد. در ذهن ناظری که از بیرون به قضایا می‌نگرد، این سوال مطرح می‌شود که آیا این احتمال وجود دارد که محفل بزرگ تری در کل کشور هست که اعضای آن، خود را مفسر و مدافع ناب ارزشهای نظام و انقلاب می‌دانند و برای دفاع از آنها، استفاده از هر ابزار و روشی را مناسب می‌بینند و آنگاه این محفل بزرگ شاخه‌هایی در ارگانهای مهم و حساس کشور دارد و فعلاً، دو شاخه از این شاخه‌ها شناخته شده و آشکار گشته‌اند؟ به نظر می‌رسد توجه به چنین فرضیه‌ای، برای جلوگیری از تکرار وقایع ناگوار خالی از فایده نباشد.

\* نکته دیگر، آنکه در تکمیل نکته قبلی

مهره‌های اساسی مشخص شده و به مجازات برسند؟

البته همین جا، این درس ارزنده را باید به مجریان داد که در اقدامات خلاف قانون و خلاف حقوق انسانها، استدلال «مأمور بودن و معدوم بودن»، چندان قابل عنایت و توجه نیست و دیر یا زود، انسان را در مقابل دادگاه قرار خواهد داد... تجربه نشان می‌دهد نخستین قربانیان هر جنایتی، پالین ترین رده جنایتکارانند.

نگر در گزارش هفتگی دبیرخانه حزب ملت ایران (۲۵ اردیبهشت تا ۳۱ اردیبهشت)، آمده است:

\* خانواده پیروز دوانی، در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهوری اسلامی، نسبت به سرنوشت پیروز دوانی ابراز نگرانی کرده و در فرازی از آن، آمده است: «به عنوان خانواده پیروز دوانی حق داریم خواستار روشن شدن حقایق پنهان و معرفی همه آمران و عاملان قتلهای زنجیره‌ای شویم.»

\* هم‌رمز خسرو سیف، در گفتگویی با رادیو ۲۴ ساعته ایرانیان گفت: ما اعلام می‌کنیم چنانچه بیش از این در مورد رسیدگی و اعلام اسامی سبب سازان قتل داریوش و پروانه فروهر تعلل شود، گنتمان و داوریهای مردم را بدون کم و کاست بیان خواهیم کرد و در اختیار هموطنان خواهیم گذاشت. بگذارید بیابند و سینه‌های ما را، همچون داریوش و پروانه فروهر، کارد آجین کنند.

انقلاب اسلامی: بدین قرار، عقیب «قتلهای زنجیره‌ای» جز سازمان ترور و سرکوب را عریان در معرض دید جهانیان قرار دادن و احقاق حق با خونهای بناحق بر زمین ریخته را با بازیافت آزادی همزمان کردن نیست. به تماشای روحیه مایوس ملاتاریا برویم:

## دو جبهه و جبهه سوم؟ - وقتی دنیا به آخر می‌رسد؟!

انقلاب اسلامی: خاتمی در سفر به سوریه و عربستان و قطر بود که خامنه‌ای با لغو «نظارت استصوابی» و اصلاح قانون ممنوعیت استفاده از آنتنهای ماهواره‌ای، مخالفت کرد. در بازگشت، انتخابهایی را که برنامه سوم باید بر اساسشان تهیه شود، ابلاغ کرد. نفع اگانماف. حمله خامنه‌ای.

## زاهدان، اهواز، در همه جا، و گسیل چماقداران به این اجتماعات. محمدی توقیف شد:

چند روز پس از آنکه محل اتحادیه ملی دانشجویان را گرفتند، در بعد از ظهر ۴ خرداد، منوچهر محمدی را توقیف کردند. این توقیف، در پایان یک دوره جنبشهای دانشجویی، گویا است:

رسالت ۲۷ و کیهان ۲۹ اردیبهشت ۷۸، وضعیت امروز کشور را با دوران مرجع انقلاب مقایسه می‌کنند:

\* رسالت می‌نویسد: «تاریخ بیست ساله جمهوری اسلامی پیش روی ما است. به شهادت همین تاریخ، جز در سالهای نخست پیروزی انقلاب، که گروهکها دست به شیطنتهایی زدند و با برخورد قاطع امام (ره) مواجه شدند، در هیچ زمانی مملکت تا این اندازه دچار التهاب و تنشهای سیاسی نبوده است.»

سیره امام (ره) جایگاه مطبوعات و حریم آنها را برای ما روشن می‌سازد و چنین نیست که بعضی دستگاههای مسئول حکومتی، به جای دفاع از کلیت نظام، رسالت خویش را در تکتیر و القای شبهه علیه نظام اسلامی بدانند.

\* کیهان، ارگان واواک، می‌نویسد: «بخاطر داریم در سالهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی،... گروههای سیاسی وابسته به قدرتهای استکباری، با سوء استفاده از آزادی، به جنگ آزادی برخاستند و شروع به توطئه علیه انقلاب و انقلابیون کردند.»

این روزها، متأسفانه شاهد تکرار صحنه‌ها توسط عناصر و جریانهای هستیم که در بسیاری از موارد، هویتی تقریباً مشابه همان گروههای سیاسی اول انقلاب دارند. منتهی با نام و پوشی دیگر... آنهایی که در جریان وقایع و رویدادهای سالهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب بوده‌اند و نشریات آن دوران را ملاحظه کرده‌اند، چنانچه گاهی به صفحات برخی از نشریات تازه تأسیس امروز بیاندازند، دقیقاً، متوجه خواهند شد که بسیاری از مطالب و تحلیلهای جو سازیه رسانه‌ای و حتی تیرتهانی که این نشریات انتخاب می‌کنند، با نشریات گروههای سیاسی آن سالها تفاوتی ندارد و می‌توان گفت رونوشت آنها است.

بر این دو نوشته، سخنان مهدوی کنی شفافیت می‌بخشد: برخی از دوستان اظهار ناامیدی می‌کنند. ولی نا امید نباشید. دنیا که به آخر نرسیده است!